

نگاهی به قدرت و جنسیت از منظر ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانانِ فارسی‌زبان

حسین رحمانی^۱
دانشگاه پیام نور

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر قدرت و جنسیت در اتخاذ رویکردهای مؤدبانه یا بی‌ادبانه از سوی شخصیت‌های قدرتمند و ضعیف، و نیز مردان و زنان، در ده رمان برگزیده نوجوانان فارسی‌زبان، بر اساس نظریه ادب براون و لوینسون، و نظریه بی‌ادبی کالیپر می‌پردازد. رمان‌های نوجوانانِ فارسی‌زبان منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۱، جامعه پژوهش را تشکیل می‌دهد و آثار مورد بررسی بر پایه معیارهای تألیفی بودن اثر، گفت‌وگومحور بودن داستان، مورد تأیید بودن از سوی صاحب‌نظران، و... انتخاب شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون آماری خی دو، مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاصل نشان می‌دهد که قدرت و ادب رابطه معکوسی باهم دارند، یعنی هرچه قدرت افراد بیشتر باشد، از استراتژی‌های بی‌ادبی بیشتر و هرچه جایگاه قدرت ضعیف‌تر باشد، از استراتژی‌های ادب بیشتری استفاده می‌کنند. بر همین اساس، مشخص شد که شخصیت‌های زن، در برخورد با شخصیت‌های مرد، رفتار زبانی مؤدبانه‌تری دارند و شخصیت‌های مرد، بیشتر از شخصیت‌های زن از استراتژی‌های بی‌ادبی استفاده می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: ادب، بی‌ادبی، رمان نوجوانانِ فارسی‌زبان، قدرت، جنسیت.

۱- مقدمه

از مطالعه ادب، زمان زیادی می‌گذرد و نظریه‌پردازان مختلفی در این زمینه داد سخن داده‌اند که در سیفیانو^۱ (۱۹۹۲: ۸۳-۸۲) و ایلین^۲ (۲۰۰۱: ۸۶-۳۰) آمده است. در این میان و با وجود تعاریف متعدد ادب، هنوز تعریفی از آن ارائه نشده است که همه نظریه‌پردازان بر آن توافق نظر داشته باشند، اما در همه این تعاریف نکته مشابهی وجود دارد و آن این است که ادب «وسیله‌ای برای رعایت وجهه دیگران» است (هلمز^۳، ۱۹۹۵: ۴؛ توماس^۴، ۱۹۹۵: ۱۵۰؛ واتس^۵ ۲۰۰۳ به نقل از می^۶، ۲۰۰۹: ۷۱۱). بر اساس نظریه براون^۷ و لوینسون^۸، که ریشه در مفهوم وجهه گافمن^۹ (۱۹۶۷: ۲۱۳) و اصول گرایس^{۱۰} (۱۹۷۵: ۴۷-۴۶) دارد، هر رفتاری در راستای تلاش برای حفظ وجهه مخاطب، مؤدبانه است. بنابراین، هر رفتاری که با هدف حمله به وجهه مخاطب انجام می‌شود، بی‌ادبانه است.

برخلاف ادب که در سطح گسترده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است، بی‌ادبی حوزه مطالعاتی متأخری است. بعضی از نظریه‌پردازان ادب مانند کریگ^{۱۱} و دیگران (۱۹۸۶)، تریسی^{۱۲} (۱۹۹۰)، لیکاف^{۱۳} (۱۹۸۹) و پنمن^{۱۴} (۱۹۹۰) در تحقیقات خود کوشیده‌اند تا با توسعه نظریه ادب، ارتباطات متعارض و خصمانه را نیز مورد بررسی قرار دهند. اما بر اساس نظر کالپپر^{۱۵} (۱۹۹۶: ۳۵۰)، هیچ‌کدام «به صورت جامع بر بی‌ادبی تمرکز نکرده‌اند و به شناخت ما از عملکرد و اساس نظری آن کمکی نکرده‌اند».

رابطه قدرت و ادب کانون توجه مطالعات متعددی بوده است. براون و لوینسون (۱۹۸۷: ۷۷) قدرت را «تحمیل برنامه و خود - ارزیابی شنونده بر برنامه و خود - ارزیابی گوینده» می‌دانند. در تعریف براون^{۱۶} و گیلمن^{۱۷} (۱۹۶۰: ۲۵۵) نیز قدرت به‌عنوان توانایی کنترل شخص دیگری دیده شده است. گروهی از نظریه‌پردازان: واتس (۱۹۹۲) و برگر^{۱۸} (۱۹۹۴)، با لوچر^{۱۹} (۲۰۰۴: ۳۱ و ۲۰۸ و ۲۱۸)، در این نکته که: «افراد با موقعیت بالاتر می‌توانند از اعمال قدرت

1. M. Sifianou
2. G. Eelen
3. J. Holmes
4. J. Thomas
5. R. J. Watts
6. J. L. Mey
7. P. Brown
8. S. C. Levinson
9. E. Goffman
10. H.P. Grice

11. R. Craig
12. K. Tracy
13. R. T. Lakoff
14. R. Penman
15. J. Culpeper
16. R. Brown
17. A. Gilman
18. C. Berger
19. M. A. Locher

خودداری کنند»، و در عین حال «افراد با قدرت کمتر می‌توانند تصمیم به اعمال قدرت بر افرادی با موقعیت نسبی بالاتر بگیرند»، موافق هستند. ولی گروهی دیگر، براون و گیلمن (۱۹۸۹)، هالتگریوز^۱ (۱۹۸۶)، هالتگریوز و یونگ نام^۲ (۱۹۹۰)، لیم^۳ و باورز^۴ (۱۹۹۱)، لیشتی^۵ و اپلگیت^۶ (۱۹۹۱)، خاطرنشان می‌سازند که هرچه قدرت نسبی گوینده بیشتر باشد، ادب بیشتری را دریافت می‌دارد.

مطالعات زیادی نیز تأثیر جنسیت بر ادب را مورد بررسی قرار داده‌اند و اغلب به این نتیجه رسیده‌اند که زنان، علیرغم اینکه در رفتار کلامی خود از استراتژی‌های ادب بیشتری نسبت به مردان استفاده کرده‌اند، با بی‌ادبی بیشتری، به نسبت مردان، مواجه بوده‌اند (باکستر^۷، ۱۹۸۴؛ اسمیت - هفتر^۸ ۱۹۸۸؛ اسمیت^۹ ۱۹۹۲). هرچند تحقیقاتی نیز صورت گرفته که عکس این مورد را نشان داده‌اند (دی کلرک^{۱۰} ۱۹۹۲، لادگار^{۱۱} ۲۰۰۴).

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱. میان قدرت شخصیت‌ها و استراتژی‌های ادب/بی‌ادبی، در ادبیات داستانی نوجوانان فارسی‌زبان، چه ارتباطی وجود دارد؟ ۲. میان جنسیت شخصیت‌ها و استراتژی‌های ادب/بی‌ادبی، در ادبیات داستانی نوجوانان فارسی‌زبان، چه ارتباطی وجود دارد؟

۲- روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش دربرگیرنده ۲۵۲ رمان نوجوانان است که در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ چاپ شده‌اند. نمونه‌های پژوهش (ده رمان)، براساس معیارهای زیر انتخاب شدند: الف: رمان‌ها به زبان فارسی نوشته شده باشند، یعنی اثر ترجمه‌ای نباشند. ب: حوادث اصلی داستان‌ها به شکل گفت‌وگو باشد نه روایت. پ: شخصیت‌های قدرتمند/ضعیف، یکی از طرفین در گفت‌وگوهای کلیدی باشند. ت: بیشترین جوایز را از جشنواره‌ها، گردهمایی‌ها، جلسات نقد و بررسی و . . . کسب کرده باشند. با توجه به این معیارها، ۱۰ نمونه پژوهش عبارتند از: (۱) **لالایی برای دختر مرده** (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶): (برنده جایزه هشتمین دوره کتاب سال شهید

1. T. Holtgraves
2. Y. Joong-Nam
3. J. W. Bower
4. T. S. Lim
5. J. W. Bowers
6. J. L. Applegate

7. L. A. Baxter
8. N. J. Smith-Hefner
9. J. S. Smith
10. V. De Klerk
11. J. H. Ladegaard

حبیب غنی‌پور ۱۳۸۷، برنده لوح زرین و دیپلم افتخار جشنواره کانون پرورش فکری ۱۳۸۷، معرفی‌شده در کاتالوگ کلاغ سفید^۱ کتابخانه مونیخ آلمان ۱۳۸۸ (۲۰۰۹)، کتاب برگزیده از سوی چهارمین جشنواره کتاب‌های برتر کودک و نوجوان انجمن فرهنگی ناشران ۱۳۸۸، اثر ویژه سال از سوی شورای کتاب کودک ۱۳۸۷، برنده جایزه اول کتاب کودک و نوجوان و بهترین رمان نوجوانان دهه ۸۰ ایران، توسط گروهی از منتقدان. (۲) *طبقه هفتم غربی* (خانین، ۱۳۸۷): (برنده لوح تقدیر، همراه با تندیس جشنواره در بخش داستان از سوی مجله سلام بچه‌ها ۱۳۸۸، کتاب تقدیری جایزه پنجمین دوره کتاب فصل در بخش ترجمه، بهار ۱۳۸۷، کتاب برگزیده در بخش داستان از سوی چهارمین جشنواره کتاب‌های برتر کودک و نوجوان انجمن فرهنگی ناشران ۱۳۸۸، اثر ویژه از سوی شورای کتاب کودک ۱۳۸۷، رتبه اول در بخش کودک و نوجوان از هفتمین دوره جایزه ادبی اصفهان ۱۳۸۷). (۳) *پل معلق* (بایرامی، ۱۳۸۳): (اثر برگزیده سومین دوره کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور ۱۳۸۲، کتاب دفاع مقدس ۱۳۸۳، جشنواره قلم زرین ۱۳۸۳، رمان برگزیده جشنواره ادب و پایداری ۱۳۸۳ و نامزد دریافت جایزه ادبی یلدا ۱۳۸۳). (۴) *گردان قاطرچی‌ها* (امیریان، ۱۳۹۰): (اثر شایسته در هجدهمین دوره کتاب فصل ۱۳۹۰، اثر برگزیده در جشنواره دوسالانه کام یوسف ۱۳۹۲، کتاب سال سی‌امین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۱ و کتاب سال شهید حبیب غنی‌پور ۱۳۹۱). (۵) *من نوکر بابا نیستم* (اکبریور، ۱۳۸۲): (اثر برگزیده کتابخانه بین‌المللی مونیخ ۲۰۰۵، نامزد بهترین رمان نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۸۳، نامزد جایزه مهرگان ۱۳۸۳، نامزد کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳، برگزیده جشن فرهنگ فارس و اثر برگزیده شورای کتاب کودک ۱۳۸۴). (۶) *گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند* (بایرامی، ۱۳۸۷): (کتاب برتر چهارمین جشنواره کتاب‌های برتر کودک و نوجوان ۱۳۸۸، برگزیده هفتمین دوره جایزه کتاب فصل جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۷). (۷) *گواتی* (یوسفی، ۱۳۸۲): (کتاب برگزیده کتاب کودک و نوجوان ۱۳۸۲، اثر ویژه از سوی شورای کتاب سال ۱۳۸۳) و کتاب منتخب در کتابخانه مونیخ ۲۰۰۶). (۸) *اولین روز تابستان* (گلشیری، ۱۳۸۹): (برنده لوح تقدیر از ششمین جشنواره کتاب برتر کودک و نوجوان و رمان برگزیده کتاب سال مهر ۱۳۸۹). (۹) *من یک مرد عنکبوتی شبیه رستم خواهم شد* (بابامرندی، ۱۳۹۱): (برنده

1. White Crow list of Munich International Youth Library

جایزه ویژه شانزدهمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان و کاندیدای کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰ و ۱۰) *شب‌گربه‌های چشم سفید* (خانیان، ۱۳۸۹): اثر برگزیده ششمین دوره انتخاب کتاب سال ماهنامه سلام بچه‌ها و پوپک و نیز جشنواره کتاب کودک و نوجوان (۱۳۸۷).

۳- پیشینه

باکستر (۱۹۸۴) براین باور است که اشخاص قدرتمند، نسبت به افراد کم‌قدرت، از ادب کمتری در گفتار استفاده می‌کنند. اسمیت - هفتر (۱۹۸۸) معتقد است که زنان جاوه‌ای به این دلیل که موقعیت درجه دوم دارند، مؤدبانه‌تر صحبت می‌کنند. بلوم کولکا^۱ (۱۹۹۰) بر این باور است که قدرت نابرابر میان والدین و کودکان عامل اصلی صحبت‌های مستقیم والدین است. اسمیت (۱۹۹۲) به بررسی دستورات زنان و مردان در موقعیت‌های یکسان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که دستورات زنان مؤدبانه‌تر است. دی کلرک (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که زنان، خصوصاً دختران جوان، از کلمات تابوی زیادی استفاده می‌کنند. او نیز این ایده که زنان به گفتار استاندارد پایبند هستند را نیز به چالش می‌کشد. قامیشلی^۲ و دوگانچای^۳ (۱۹۹۶) به بررسی قدرت نابرابر افراد در گفت‌وگو در میان گویشوران آمریکایی و ترکیه‌ای می‌پردازند. موراند^۴ (۱۹۹۶) به بررسی این امر می‌پردازد که چگونه قدرت، در گفتار روزمره، بین فرادستان و فرودستان خود را نشان می‌دهد. یگانه (۱۳۷۵) نشان می‌دهد که دختران از پسران مؤدب‌تر هستند و نیز اینکه دختران و پسران، هر دو با جنس موافق مؤدب‌ترند تا با جنس مخالف، همچنین هر دو با افراد مسن‌تر از خود مؤدب‌ترند تا با افراد هم‌سن. موراند (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که چگونه قدرت از طریق ژست‌های زبانی خاص، به شکلی متفاوت، توسط افراد فرادست و فرودست در گفت‌وگوهای روزمره مخابره می‌شود. فویستر^۵ (۲۰۰۲) بر خشونت زناشویی به‌عنوان نمود بی‌ادبی تمرکز می‌کند و براین باور است که ادب برای زنانی که با خشونت شوهرانشان مواجه‌اند، مزایایی دارد. نعمتی (۱۳۸۲) زنان را مؤدب‌تر از مردان می‌داند. لادگارد (۲۰۰۴)

-
1. Sh. Blum-Kulka
 2. S. Kamisli
 3. S. Dogancay
 4. D. A. Morand
 5. E. Foyster

معتقد به وجود تفاوتی معنادار میان پسران و دختران، از نظر استفاده از استراتژی‌های ادب، نیست. هدایت (۱۳۸۴) به بررسی تأثیر جنسیت به‌عنوان عاملی اجتماعی، بر نحوه تقاضای مستقیم یا غیرمستقیم زنان و مردان می‌پردازد. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهند که زنان به نحوه بیان درخواست‌هایشان، به‌ویژه در موقعیت‌های رسمی و اجتماعی، بیش‌از مردان توجه می‌کنند. ارمیدا^۱ (۲۰۰۶) در بررسی مکالماتِ رمان ۱۹۸۴ اثر جرج اورول^۲ نتیجه می‌گیرد که هرچه شخصیت‌ها قدرتمندتر باشند و فاصله بیشتری را در برابر شخصیت‌های دیگر حفظ کنند، تبادل کلامی مؤدبانه‌تر خواهد شد. برعکس هرچه صمیمیت بیشتر شود، ادب نیز کمتر می‌شود. ثابت (۱۳۸۸) با بررسی نقش جنسیت در راهکارهای ادب، درکنش‌گفتار درخواست میان دو گروه فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان، نشان می‌دهد که جنسیت مخاطب در گروه فارسی‌زبان مؤثر است اما در گروه انگلیسی‌زبان این تأثیر معنادار نیست. حاجی‌محمدی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که میان کاربرد نشانگرهای بی‌ادبی و سن رابطه‌ای معکوس وجود دارد، یعنی با افزایش سن از تمایل به نشانه‌های بی‌ادبی کاسته می‌شود. همچنین میان جنسیت و نشانه‌های بی‌ادبی نیز رابطه‌ای معنادار وجود دارد، یعنی آقایان بیشتر از نشانه‌های بی‌ادبی استفاده می‌کنند. کانتارا^۳ (۲۰۱۰) بر استراتژی‌های بی‌ادبی به‌کاررفته توسط شخصیت‌ها در سریال تلویزیونی «خانه ام، دی»^۴ و پاسخ به آنها و نیز دلایل/ مقاصد استفاده از بی‌ادبی بر اساس کالپپر (۱۹۹۶) و کالپپر و دیگران (۲۰۰۳) تمرکز می‌کند. بهنام و نیرومند (۲۰۱۱)، در بررسی کنش‌گفتار مخالفت، معتقدند که فراگیران تمایل بیشتری دارند تا از استراتژی‌های ادب بالاتری در مخالفت با افراد قدرتمندتر، به نسبت افراد کم‌قدرت‌تر، استفاده کنند. رفیعی سخایی (۱۳۹۰) تحلیل گفتمان ادب در شخصیت‌پردازی و پیشبرد کنش نمایشنامه را موضوع پژوهش قرار داده است. شکاری (۱۳۹۰) به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که روابط قدرت بر استراتژی‌های ادب، در انتخاب صورت‌های خطاب، تأثیر می‌گذارند. لطفی (۱۳۹۰) نتیجه می‌گیرد که زبان‌آموزان زبان انگلیسی در ایران، رابطه میان عدم رعایت ادب و قدرت را در زبان انگلیسی و زبان فارسی، تقریباً مشابه قلمداد می‌کنند. صادقی (۲۰۱۲) بر این باور است که مردان قدرت بیشتری را به‌کار می‌گیرند و کمتر از زنان غیرمستقیم استفاده می‌کنند، بیشتر بر وجهه منفی متمرکزند و

-
1. I. Ermida
 2. G. Orwell
 3. A. Kantara
 4. House M.D.

کمتر ادب را رعایت می‌کنند. نیرومند (۲۰۱۲) بیان می‌کند که تفاوت در قدرت، بر انتخابِ استراتژیِ مناسبِ ادب، تأثیر می‌گذارد. مورنی^۱ و سولین^۲ (۲۰۱۲) نشان داده‌اند که گفتارِ شخصیت‌ها، در هنگامِ عصبانیت، ناراحتی و یا برای به‌دست آوردنِ قدرت بی‌ادبانه بوده است. باچا^۳ و دیگران (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که زنان و مردان، نسبت به موقعیت‌ها و گفتمان‌های خاص، عکس‌العمل‌های متفاوتی دارند. آیدین‌اوغلو^۴ (۲۰۱۳) در تجزیه و تحلیلِ گفت‌وگوهای شش نمایشنامه‌ی یک‌پرده‌ای، اثر جرالین ال هورتون^۵ به این نتیجه می‌رسد که بین زنان و مردان، از نظر استفاده از استراتژی‌های بی‌ادبی، تفاوت وجود دارد و مردان در گفتارشان بی‌ادب‌تر از زنان هستند.

۴- چارچوب نظری پژوهش

۴-۱- نظریهٔ ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷)

پژوهش حاضر بر پایه نظریه ادب براون و لوینسون و بی ادبی کالپپر استوار است. مدل براون و لوینسون (۱۹۸۷) مشهورترین نظریهٔ ادبی است که «تقریباً بر تمامی کارهای تحلیلی و نظری در این زمینه تأثیر گذاشته است» (میلز، ۲۰۰۳: ۵۷). آنها اولین کسانی بودند که استراتژی‌های زبانی مشترکی را در میان مردمانی با پیشینهٔ زبانی مختلف مشاهده کردند، و همین نکته، اساس نظریهٔ آنها را فراهم آورده است.

نظریهٔ ادب براون و لوینسون بیشتر بر مفهومی به نام وجهه^۶ متمرکز است، که نیاز به حفظ آن در افراد در دو حالت نمایان می‌شود: وجههٔ منفی^۷: «خواستۀ هر عضو بالغ با توانش زبانی، مبنی بر اینکه دیگران مانع اعمال وی نشوند»، و وجههٔ مثبت^۸: «خواستۀ فرد مبنی بر اینکه خواسته‌هایش برای حداقل بعضی از افراد مطلوب باشد» (براون و لوینسون ۱۹۸۷: ۶۲). اما وجهه، از دست‌رفتنی و یا حفظ‌شدنی است و گاهی خواسته‌های آن محقق نمی‌شود، چون گوینده و شنونده، آگاهانه و یا ناخودآگاه، مرتکب اعمالی می‌شوند که وجهه را تهدید می‌کند. این اعمال تهدیدکنندهٔ وجهه نیاز به تعدیل یا اصلاح دارند. لذا گوینده بر اساس شدتِ عملی

1. S. Murni
2. M. Solin
3. N. Bacha
4. N. Aydinoglu
5. GERALYN L. HORTON

6. S. Mills
7. face
8. negative face
9. positive face

که مرتکب شده است، یکی از استراتژی‌های مختلف ادب را برای اصلاح عمل خویش برمی‌گزیند. این استراتژی‌ها، متغیرهای ادب نظریه براون و لوینسون را تشکیل می‌دهند و عبارتند از:

۴- ۱- ۱- بیان آشکار: هرگاه طرفین گفت‌وگو بدانند که گوینده با چه هدفی عمل تهدیدکننده وجهه را انجام داده است، یعنی بیان آشکار رخ داده است.

۴- ۱- ۲- ادب مثبت: (۱) توجه به علائق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب، (۲) اغراق (در علائق، حمایت و هم‌دردی با مخاطب)، (۳) افزودن بر علاقه و رغبت مخاطب، (۴) استفاده از نشانگرهای میان‌گروهی، (۵) جُستن توافق، (۶) پرهیز از مخالفت، (۷) پیش‌فرض/ ایجاد/ ادعای زمینه مشترک، (۸) جوک، (۹) بیان یا پیش‌فرض‌گرفتن اینکه گوینده از خواسته‌های مخاطب مطلع است و آنها را می‌پسندد، (۱۰) پیشنهاد، قول، (۱۱) خوشبین بودن، (۱۲) درگیرکردن گوینده و شنونده در یک فعالیت، (۱۳) ارائه‌دلیل، (۱۴) فرض را بر رابطه متقابل گذاشتن، (۱۵) هدیه دادن به مخاطب (کالا، هم‌دردی، درک کردن، همکاری کردن).

۴- ۱- ۳- ادب منفی: (۱) بیان غیرمستقیم متداول، (۲) سؤال، نشانگر احتیاط، (۳) بدبین بودن، (۴) به حداقل‌رسانی تحمیل، (۵) احترام گذاشتن، (۶) عذرخواهی، (۷) شخص‌زدایی گوینده و شنونده، (۸) بیان عمل تهدیدکننده به صورت یک قانون عمومی، (۹) اسم‌سازی، (۱۰) بیان آشکار مدیون بودن به شنونده و مدیون نبودن شنونده.

۴- ۱- ۴- بیان مبهم: (۱) اشاره کردن، (۲) دادن نشانه‌های ارتباط، (۳) از پیش فرض کردن، (۴) کم‌گویی، (۵) اغراق و مبالغه کردن، (۶) همان‌گویی، (۷) استفاده از تعارض، (۸) طنزآلود بودن، (۹) استفاده از استعاره، (۱۰) استفاده از سؤالات بلاغی، (۱۱) مبهم بودن، (۱۲) سر بسته صحبت کردن، (۱۳) تعمیم بیش‌از حد، (۱۴) جایگزین کردن مخاطب، (۱۵) ناقص بیان کردن، استفاده از حذف.

۴-۲- نظریه بی ادبی کالپیر (۱۹۹۶)

کالپیر نشان می‌دهد که ادعای لیچ (۱۹۸۳: ۱۰۵)، مبنی بر اینکه «ارتباط متعارض، در شرایط عادی، در رفتار زبانی انسان، حاشیه‌ای محسوب می‌شود»، نه تنها درست نیست، بلکه موقعیت‌هایی وجود دارند که در آنها گفتارهای متعارض، نسبتاً کلیدی محسوب می‌شوند. وی به‌عنوان مثال به «گفتمان آموزشی ارتش»^۱ (کالپیر، ۱۹۹۶)، گفتمان دادگاهی^۲ (لیکاف، ۱۹۸۹؛ پنمن، ۱۹۹۰)، گفتمان بزرگسالان^۳ (گودوین^۴ و گودوین^۵، ۱۹۹۰)، گفتمان درمانی^۶ (لباو^۷ و فنشل^۸، ۱۹۷۷؛ لیکاف، ۱۹۸۹)، گفتمان محل کار^۹ (آندرسون^{۱۰} و کریستین^{۱۱}، ۱۹۹۹)، مکالمات روزمره^{۱۲} (بیب^{۱۳}، ۱۹۹۵)، گفت‌وگوهای رادیویی^{۱۴} (هاچی^{۱۵}، ۱۹۹۶)، متون داستانی^{۱۶} (کالپیر، ۱۹۹۸؛ تانن^{۱۷}، ۱۹۹۰) و ... گفتار موهن^{۱۸} (کین پوینتنر^{۱۹}، ۱۹۹۷) اشاره می‌کند (کالپیر، ۲۰۰۳: ۱۵۴۶). در این مطالعات، مواردی مطرح می‌شوند که نظریه‌های ادب قادر به توجیه آنها نیست. از همین روی «نه‌تنها باید موارد مثبت اجتماعی را مورد مطالعه قرار داد، بلکه لازم است موارد منفی نیز بررسی شود. همانطور که نمی‌توان قدر ارزش‌ها را بدون درک چیزهای بی‌ارزش شناخت ... پس نمی‌توان به ارزش کاربردهای مثبت زبان بدون درک ناسازگویی پی برد. هر یک مکمل دیگری است» (لاچینیشت^{۲۰}، ۱۹۸۰: ۶۸۰). مدلی از بی‌ادبی که کالپیر ارائه می‌کند «همراه با تعدیلاتی در سطح ریشه‌ای، (به همراه تعدادی استراتژی دیگر)، قدرت کافی برای تجزیه و تحلیل داده‌های نوشتاری و گفتاری به دست آمده، در موقعیت‌های زندگی واقعی، را فراهم می‌آورد» (بوسفیلد^{۲۱}، ۲۰۰۸: ۱۰۵). این نظریه مانند نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) از پنج سوپر- استراتژی تشکیل شده است که عبارتند از:

- | | |
|----------------------------|---------------------------|
| 1. army training discourse | 12. everyday conversation |
| 2. courtroom discourse | 13. L. M. Beebe |
| 3. adolescent discourse | 14. radio talk shows |
| 4. C. Goodwin | 15. I. Hutchby |
| 5. M. H. Goodwin | 16. Fictional texts |
| 6. therapeutic discourse | 17. D. Tannen |
| 7. W. Labov | 18. rude talk |
| 8. D. Fanshel | 19. M. Kienpointner |
| 9. workplace discourse | 20. L. G. Lachenicht |
| 10. L. Andersson | 21. D. Bousfield |
| 11. M. P. Christine | |

۴-۲-۱- بی ادبی آشکار: عبارات بی ادبی آشکار زمانی به کار می‌روند که وجهه در خطر زیادی است. و نیز در جایی که گوینده قصد دارد به وجهه شنونده/مخاطب حمله کند.

۴-۲-۲- بی ادبی مثبت: (۱) نادیده گرفتن، بی‌اعتنایی^۱ به دیگری، (۲) دیگری را از فعالیتی محروم کردن، (۳) با دیگری همراهی نکردن، (۴) نشان ندادن علاقه، توجه و همدردی، (۵) استفاده از نشانگرهای هویتی نامناسب، (۶) استفاده از زبان سرّی یا مبهم، (۷) دنبال عدم توافق بودن، (۸) از توافق امتناع کردن، (۹) باعث ناراحتی/ ناآرامی دیگری شدن، (۱۰) استفاده از کلمات تابو، (۱۱) نام گذاشتن بر شنونده و غیره.

۴-۲-۳- بی ادبی منفی: (۱) ترساندن، (۲) تحقیر کردن، خوار شمردن یا مسخره کردن، (۳) به حریم دیگری تجاوز کردن، (۴) به وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن، (۵) آشکارا مدیون بودن مخاطب را گوشزد کردن، (۶) ممانعت به عمل آوردن و غیره.

۴-۲-۴- طعنه: ادب ساختگی است و هدف آن «ناهماهنگی اجتماعی» است.

۴-۲-۵- خودداری از ادب: سکوت کردن در جایی که عمل مؤدبانه، مورد انتظار، ضروری و یا «اجباری» است.

۵- توصیف و تحلیل داده‌ها
در این بخش، گزیده‌ای از رمان‌های منتخب نوجوانان فارسی‌زبان، بر اساس نظریه ادب و بی ادبی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هریک از استراتژی‌های شناخته شده ادب یا بی ادبی، که در گفتار شخصیت‌ها نمود پیدا می‌کند، در داخل دو کمان ذکر می‌شود.

۵-۱- طبقه هفتم غربی (خانیا، ۱۳۸۷)، (جایگاه پیرمرد قدرتمندتر از امیرعلی (خدمتکار وی) است).

(۱) (پیرمرد) گفتی به قره‌قیطاس [دوچرخه] داری؟ (تهدید وجهه منفی مخاطب)

- ۲) بله آقا! (ادب منفی - احترام گذاشتن)
- ۳) کجاست حالا؟ (تهدید وجهه منفی مخاطب)
- ۴) پایین تو پارکینگ! (ادب مثبت - توجه به علایق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب)
- ۵) من بهش می‌گم طویله. به پارکینگ می‌گم طویله (ادب مثبت - جوک). تو هم بگو طویله!
(ادب مثبت - پیش فرض/ایجاد/ ادعای زمینه مشترک)
- ۶) یه باغچه هست اونجا، کنار باغچه. (ادب مثبت - توجه به علایق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب) بعد یه آقاهه اونجا بود.
- ۷) مرغ ماهی خوار! (ادب مثبت - جوک)
- ۸) شازده! (ادب مثبت - جوک)
- ۹) قلعه‌بیگی اینجاست. نگهبان. (ادب مثبت - جوک)
- ۱۰) یه ساعتِ بدریختِ گشادی دستشه. (ادب مثبت - جوک)
- ۱۱) دیدی چه گردنِ درازی داره؟ (ادب مثبت - جوک)
- ۱۲) کله‌اش درازه عینهو کدوتنبل! (ادب مثبت - جوک)
- ۱۳) دماغش رو دیدی؟ (ادب مثبت - جوک)
- ۱۴) سوراخ‌هاش عینهو دوتا لوله‌بخاری کهنه‌ست! (ادب مثبت - جوک)
- ۱۵) نوکش هم مَثِ لوله قیفه. قیف پلاستیکی! (ادب مثبت - جوک)

۵-۲- پل معلق (بایرامی، ۱۳۸۳)، (جایگاه گروه‌بان قدرتمندتر از سرباز وظیفه، نادر صدیف، است)

- ۱) گوش کن سرباز! (تهدید وجهه منفی مخاطب) اگه می‌خوای اینجا خدمت کنی، باید روراست باشی (تهدید وجهه منفی مخاطب). بنابراین صاف و پوست‌کنده به من بگو که اینجا چه کار داری؟ (تهدید وجهه منفی مخاطب). تو رو نفرستادن که کمک‌حال من باشی (تهدید وجهه منفی مخاطب). من قبلاً سه‌بار تقاضای سرباز کردم ولی تابه حال هیشکی محلم نگذاشته (تهدید وجهه مثبت گوینده). . . . حالا بی‌مقدمه تو رو می‌فرستن اینجا، آن هم از خودِ تهران، و در حالیکه دیگر پلی وجود ندارد! (ادب مثبت - دلیل ارائه کردن (خواستن)). این پاداش کمی خنده‌دار نیست به نظر تو؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب)
- ۲) من این چیزها رو نمی‌دونم. (ادب مثبت - پرهیز از مخالفت)

۳) پس تو چی می‌دونی؟ (بی‌ادبی منفی - تحقیر کردن، خوار شمردن یا مسخره کردن). نکته اصلاً تبعیدی باشی. ها؟ (بی‌ادبی منفی - به‌وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن) راستشو بگو! (تهدید وجهه منفی مخاطب). چه کار کردی که بخت ازت رو برگردونده؟ (بی‌ادبی منفی - به‌وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن)
(کمی بعد)

۴) به‌هرحال معلوم می‌شه، من عجله‌ای ندارم (تهدید وجهه منفی مخاطب). حالا بده ببینم، اوراق موراق چی داری! (تهدید وجهه منفی مخاطب). (برگ مأموریت و تسویه حساب را از کیسه‌اش در می‌آورد و به سرگروه‌بان می‌دهد) ظاهراً که هیچ اشکالی نداره. (انداختن رو سکو)

۵- ۳- گردان قاطرچی‌ها (امیریان، ۱۳۹۰)، (جایگاه آقاابراهیم، فرمانده لشکر، بالاتراز یوسف به‌عنوان فرمانده گردان قاطرچی‌هاست)

۱) خُب چه خبر آقا یوسف (ادب مثبت - توجه به علائق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب) بهتری انشاءالله (ادب مثبت - توجه به علائق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب). . . ، سرحالی که؟ (ادب مثبت - توجه به علائق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب)
۲) خدارو شکر بهترم (ادب مثبت - توجه به علائق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب)
۳) خُب الحمدالله (ادب مثبت - توجه به علائق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب). چایی تو بخور سرد نشه (ادب مثبت - توجه به علائق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب) برادرا شما هم بفرمایید (ادب مثبت - توجه به علائق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب). . . . راحت بشین یوسف جان (ادب مثبت - هدیه دادن به مخاطب (کالا، همدردی، درک کردن و همکاری کردن)) می‌دونم جای سالم برات نمونده (ادب مثبت - هدیه دادن به مخاطب (کالا، همدردی، درک کردن و همکاری کردن)). خجالت نکش اگر خواستی پات رو دراز کن (ادب مثبت - هدیه دادن به مخاطب (کالا، همدردی، درک کردن و همکاری کردن)). از حالا تو با ما همکار هستی (ادب مثبت - پیش‌فرض / ایجاد / ادعای زمینه مشترک). . . . غرض از مزاحمت (تهدید وجهه منفی مخاطب)، سپردن مسئولیت یک یگان و گردان تازه تأسیس به شماست آقا یوسف (ادب مثبت - دلیل ارائه کردن (خواستن))

- ۴) اینجا چه خبره؟ (تهدید وجهه منفی مخاطب). . . دستت درد نکنه آقا ابراهیم منو کشوندی اینجاجلوی اینا مسخره‌ام کنی؟ (تهدید وجهه منفی مخاطب)
- ۵) شرمنده یوسف جان (ادب منفی - عذرخواهی)، خیلی ببخشید (ادب منفی - عذرخواهی) اصلاً چطوره با هم بریم نیروها رو نشونت بدم؟ (ادب منفی - سؤال، نشانگر احتیاط)
- ۶) بعد از اینکه قاطرها را نشانش می‌دهد (خُب؟) (تهدید وجهه منفی مخاطب)
- ۷) دست‌مو گذاشتید تو پوست گردو آقا ابراهیم، کار خوبی نکردید (تهدید وجهه مثبت مخاطب). . . شما هم باید قول بدید که شرایط منو قبول کنید (تهدید وجهه منفی مخاطب). همان طور که من به شما قول دادم و زیرش نزدم، (بی‌ادبی منفی - آشکارا مدیون بودن مخاطب را گوشزد کردن) قبوله؟ (تهدید وجهه منفی مخاطب)

۵- ۴- گواتی (یوسفی، ۱۳۸۲)، (جایگاه شیخ انور به‌عنوان کارفرما، قدرتمندتر از مادر زرگل است)

- ۱) شیخ انور می‌بینی زرگل چه قالیچه‌ای بافته؟! (ادب مثبت - افزودن بر علاقه و رغبت مخاطب) لایق زن‌های پولدار و ماتیک‌به‌لب شهری‌ست، نه؟ (ادب منفی - سؤال، نشانگر احتیاط) ایشاءالله خوب سود ببری (ادب مثبت - توجه به علایق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب) زرگل شب و روز چشم بالای گل‌های ریزریزش گذاشته تا این‌قدر قشنگ و خوب بافته شده. (ادب مثبت - افزودن بر علاقه و رغبت مخاطب)
- ۲) اگر تو نگویی این حرف‌ها را، پس کی بگویدی؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب) یکساعت دیگر اینجا بمانم قالیچه زربافت کرمان می‌شود، ها؟ (بی‌ادبی منفی - به‌وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن)
- ۳) انصاف خرج کن شیخ! (تهدید وجهه مثبت مخاطب) خودت کنار قالیچه‌های دیگر نگاه‌دار و با انصاف خدادادیات قضاوت کن. (تهدید وجهه منفی)
- ۴) (شیخ بر بالا و پایین فرش می‌کوبد): باید نقشه‌خوانی یاد دخترت بدهی بی‌بی (تهدید وجهه منفی مخاطب) تماشا کن، ترنج قالیچه مثل چشم‌های دختر لوج می‌ماند، نه؟ (ادب منفی - سؤال، نشانگر احتیاط)
- ۵) مترت را بیاور شیخ! (تهدید وجهه منفی مخاطب)، زرگل نقشه‌ها را از بر می‌داند (ادب مثبت - دلیل ارائه کردن (خواستن)). بگو دستمزدش را نمی‌دهم (تهدید وجهه منفی مخاطب)، کم

می‌دهم (تهدید وجهه منفی مخاطب) ولی عیب روی قالیچه نگذار! (تهدید وجهه منفی مخاطب). . . مگر می‌شود دختر بی‌بی ترنج کج بباقد؟ (ادب مثبت - دلیل ارائه کردن (خواستن)).

۶) (بعد از متر کردن فرش) حالا ترنج را قبول دارم (ادب مثبت - پرهیز از مخالفت)، ولی شانه خوب نکوبیده (تهدید وجهه مثبت مخاطب)، به خدا اگر زحمت دخترت را بخوام بی‌اجر کنم. (ادب منفی - به حداقل‌رسانی تحمیل)

۷) ای شیخ انور، زرگل یک استخوان سیزده‌ساله است، از او زور قالی‌باف سی‌ساله را طلب می‌کنی؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب)، غیر از این، قالیچه است، فرش دوازده‌متری که نیست. (ادب مثبت - دلیل ارائه کردن (خواستن)). . . به خدای محمد یک قلاب بیخود نمی‌زند. (ادب منفی - به حداقل‌رسانی تحمیل)

۸) پشم که حیف می‌کند (بی‌ادبی منفی - به‌وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن). این عبدالرحمن هرروز می‌گوید، برای زرگل پشم می‌برم، مگر زرگل پشم می‌خورد؟ (بی‌ادبی منفی - به‌وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن).

۵-۵- اولین روز تابستان (گلشیری، ۱۳۸۹)، (حبیب، به خاطر قدرت فیزیکی، در

جایگاه قدرت بالاتری نسبت به کامیار قرار دارد)

۱) من هیچکاری نمی‌کنم، منو همین‌جا پیاده کنین. (تهدید وجهه منفی مخاطب). . . من که کاری‌رو که گفته بودین، کردم غیر از اینه؟ (ادب منفی - سؤال/نشانگر احتیاط). مگه نگفتین منو می‌رسونین در خونه؟ (ادب منفی - سؤال/نشانگر احتیاط)

۲) حالا هم همین‌کارو می‌کنیم. (تهدید وجهه مثبت مخاطب)

۳) منو همین‌جا پیاده کنین (تهدید وجهه منفی مخاطب). من زنگ خونه‌شونو نمی‌زنم. (تهدید وجهه مثبت مخاطب)

۴) (حبیب یقه کامی را با یکی از دست‌های بزرگش طوری می‌گیرد که نفس کامی داشت بند می‌آمد و با دست دیگرش چاقویی درآورد و وی را تهدید کرد). یه‌بار دیگه رو حرف من حرف زدی، بچه (بی‌ادبی منفی - تحقیر کردن، خوار شمردن یا مسخره کردن)، اون زبون درازتو (به‌وضوح مخاطب را با ویژگی منفی همراه کردن) می‌برم می‌ذارم کف دستت (بی‌ادبی منفی - ترساندن). حالت شد؟ (بی‌ادبی آشکار). برای من دم درآورده. (بی‌ادبی آشکار). . . یادت هست

که چی گفتم؟ (بی ادبی منفی - ترساندن). . . از حالا به بعد هیشکی نمی تونه جابزنه، شیرفهم شد (بی ادبی آشکار) بچه؟ (بی ادبی منفی - تحقیر کردن، خوار شمردن یا مسخره کردن) تا اینجا اومدی، تا آخرش هم هستی؟ (بی ادبی آشکار).

(۵) کامی به حبیب فقط نگاه می کند)

(۶) با توأم! (بی ادبی آشکار) . . . چیزی بزنه به اون کلهات، فاتحات خوندهس (بی ادبی منفی - ترساندن). منو که می شناسی، گیرت میارم. (بی ادبی منفی - ترساندن)

۵-۶- تحلیل داده‌ها

تعداد استراتژی‌های ادب، که توسط شخصیت‌های قدرتمند و ضعیف، در ده رمان نوجوانان فارسی‌زبان، به کار گرفته شده، در جدول شماره ۱ مشخص شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، شخصیت‌های قدرتمند در برخورد با شخصیت‌های ضعیف، در رمان‌های منتخب، در مجموع از ۸۸ استراتژی ادب استفاده کرده‌اند، که به ترتیب از ۶۰ استراتژی ادب مثبت، ۲۶ استراتژی ادب منفی و ۲ استراتژی بیان مبهم استفاده کرده‌اند. اما شخصیت‌های ضعیف، در رمان‌های منتخب، در برخورد با شخصیت‌های قدرتمند، در مجموع از ۱۶۷ استراتژی ادب استفاده کرده‌اند، که به ترتیب از ۷ استراتژی ادب آشکار، ۶۵ استراتژی ادب مثبت، ۸۹ استراتژی ادب منفی و ۶ استراتژی بیان مبهم استفاده کرده‌اند. به وضوح مشاهده می‌شود که شخصیت‌های قدرتمند در برخورد با شخصیت‌های ضعیف، در حالی از استراتژی‌های ادب کمتری استفاده می‌کنند که ادب بیشتری را از شخصیت‌های ضعیف دریافت می‌دارند. به بیان دیگر، قدرت و ادب رابطه معکوسی با هم دارند: هرچه قدرت شخصیت‌ها بیشتر باشد، از ادب کمتر و هرچه شخصیتی ضعیف باشد، انتظار می‌رود که در رفتار کلامی خود، از استراتژی‌های ادب بیشتری استفاده کند.

جدول ۱- فراوانی استراتژی‌های ادب در شخصیت‌های قدرتمند و شخصیت‌های ضعیف

استراتژی‌های ادب	شخصیت‌های قدرتمند	شخصیت‌های ضعیف
آشکار	۰	۷
مثبت	۶۰	۶۵
منفی	۲۶	۸۹
مبهم	۲	۶
جمع	۸۸	۱۶۷

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، شخصیت‌های قدرتمند از استراتژی‌های ادب کمتر در برخورد با شخصیت‌های ضعیف استفاده می‌کنند. این فرضیه با مقدار χ^2 دو ۲۱/۱۴۰ در سطح ($P \leq 0/01$) مورد تأیید قرار گرفت. این یعنی که بین شخصیت‌های قدرتمند و ضعیف، از لحاظ استفاده از استراتژی‌های ادب، تفاوت معناداری وجود دارد و (بر طبق فراوانی مندرج در جدول ۱) در مجموع، شخصیت‌های قدرتمند کمتر از استراتژی‌های ادب نسبت به شخصیت‌های ضعیف استفاده می‌کنند.

جدول ۲- آزمون χ^2 دو برای بررسی تفاوت بین استراتژی‌های ادب، بین شخصیت‌های قدرتمند و ضعیف

مقدار χ^2 دو	۲۱/۱۴۰
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۱

جدول شماره ۳، استراتژی‌های بی‌ادبی را نشان می‌دهد که توسط شخصیت‌های قدرتمند و ضعیف، در ده رمان نوجوانان فارسی‌زبان، به‌کارگرفته شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، شخصیت‌های قدرتمند در برخورد با شخصیت‌های ضعیف، در رمان‌های منتخب، در مجموع از ۲۰۹ استراتژی بی‌ادبی استفاده کرده‌اند، که به ترتیب از ۳۳ استراتژی بی‌ادبی آشکار، ۶۱ استراتژی بی‌ادبی مثبت، ۱۱۲ استراتژی بی‌ادبی منفی و ۲ استراتژی طعنه استفاده کرده‌اند. اما شخصیت‌های ضعیف، در رمان‌های منتخب، در برخورد با شخصیت‌های قدرتمند، در مجموع از ۶۳ استراتژی بی‌ادبی استفاده کرده‌اند، که به ترتیب از ۶ استراتژی بی‌ادبی آشکار، ۱۶ استراتژی بی‌ادبی مثبت، ۳۹ استراتژی بی‌ادبی منفی و ۲ استراتژی طعنه و ۲ استراتژی ممانعت از ادب استفاده کرده‌اند. به آسانی می‌توان مشاهده کرد که شخصیت‌های قدرتمند در برخورد با شخصیت‌های ضعیف، از تعداد بسیار زیادی استراتژی بی‌ادبی استفاده می‌کنند. اما شخصیت‌های ضعیف از تعداد استراتژی‌های بی‌ادبی بسیار کمی در برخورد با شخصیت‌های قدرتمند استفاده می‌کنند. می‌توان گفت که قدرت و بی‌ادبی رابطه مستقیمی با هم دارند: هرچه قدرت شخصیت‌ها بیشتر باشد از استراتژی‌های بی‌ادبی بیشتری استفاده می‌کنند و

هرچه شخصیتی ضعیف باشد انتظار می‌رود که در رفتار کلامی خود از استراتژی‌های بی‌ادبی کمتری استفاده کند.

جدول ۳- فراوانی استراتژی‌های بی‌ادبی در شخصیت‌های قدرتمند و شخصیت‌های ضعیف

شخصیت‌های ضعیف	شخصیت‌های قدرتمند	استراتژی‌های بی‌ادبی
۶	۳۳	آشکار
۱۶	۶۱	مثبت
۳۹	۱۱۲	منفی
۲	۳	طعنه
۲	۰	ممانعت از ادب
۶۳	۲۰۹	جمع

همان طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، شخصیت‌های قدرتمند از استراتژی‌های بی‌ادبی بیشتری در برخورد با شخصیت‌های ضعیف استفاده می‌کنند. این فرضیه با مقدار χ^2 دو ۳۷/۵۷۰ در سطح $(P \leq 0/01)$ مورد تأیید قرار گرفت. این یعنی که بین شخصیت‌های قدرتمند و ضعیف، از لحاظ استفاده از استراتژی‌های بی‌ادبی، تفاوت معناداری وجود دارد و بر طبق فراوانی مندرج در جدول ۳، در مجموع، شخصیت‌های قدرتمند بیشتر از استراتژی‌های بی‌ادبی، نسبت به شخصیت‌های ضعیف، استفاده می‌کنند.

جدول ۴- آزمون χ^2 دو برای بررسی تفاوت بین استراتژی‌های بی‌ادبی بین شخصیت‌های قدرتمند و ضعیف

۳۷/۵۷۰	مقدار χ^2 دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معناداری

تعداد استراتژی‌های ادب، که توسط شخصیت‌های زن و مرد، در ده رمان منتخب نوجوانان فارسی‌زبان، به‌کارگرفته شده، در جدول شماره ۵ مشخص شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، شخصیت‌های زن در برخورد با شخصیت‌های مرد در رمان‌های منتخب در مجموع از

۵۴ استراتژی ادب استفاده کرده‌اند، که به ترتیب از ۲ استراتژی ادب آشکار، ۳۰ استراتژی ادب مثبت، ۲۰ استراتژی ادب منفی و ۲ استراتژی بیان مبهم استفاده کرده‌اند. اما شخصیت‌های مرد، در رمان‌های منتخب، در برخورد با شخصیت‌های زن، در مجموع، از ۴۹ استراتژی ادب استفاده کرده‌اند، که به ترتیب از ۲۹ استراتژی ادب مثبت، ۱۹ استراتژی ادب منفی و ۱ استراتژی بیان مبهم استفاده کرده‌اند. می‌توان دریافت که شخصیت‌های زن در برخورد با شخصیت‌های مرد از استراتژی‌های ادب بیشتری استفاده می‌کنند.

جدول ۵- فراوانی استراتژی‌های ادب در میان شخصیت‌های زن و مرد

استراتژی‌های ادب	زن	مردان
آشکار	۲	۰
مثبت	۳۰	۲۹
منفی	۲۰	۱۹
مبهم	۲	۱
جمع	۵۴	۴۹

همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌شود، شخصیت‌های زن بیشتر از شخصیت‌های مرد از استراتژی‌های ادب استفاده می‌کنند. این فرضیه با مقدار χ^2 دو ۵/۰۲۰ در سطح (۰/۰۵) $P \leq$ مورد تأیید قرار گرفت. در نتیجه بین شخصیت‌های زن و مرد، از نظر استفاده از استراتژی‌های ادب، تفاوت معناداری وجود دارد و بر طبق فراوانی مندرج در جدول شماره ۵، در مجموع، شخصیت‌های زن بیشتر از شخصیت‌های مرد از استراتژی‌های ادب استفاده می‌کنند.

جدول ۶- آزمون χ^2 دو برای بررسی تفاوت استراتژی‌های ادب بین شخصیت‌های زن و مرد

مقدار χ^2 دو	۵/۰۲۰
درجه آزادی	۱
سطح معناداری	۰/۰۳۴

جدول شماره ۷ استراتژی‌های بی‌ادبی را نشان می‌دهد، که توسط شخصیت‌های زن و مرد، در ده رمان نوجوانان فارسی‌زبان، مورد استفاده بوده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، شخصیت‌های زن در برخورد با شخصیت‌های مرد، در مجموع از ۳۵ استراتژی بی‌ادبی استفاده کرده‌اند، که به ترتیب از ۸ استراتژی بی‌ادبی آشکار، ۱۷ استراتژی بی‌ادبی مثبت، ۱۰ استراتژی بی‌ادبی منفی استفاده کرده‌اند. اما شخصیت‌های مرد در برخورد با شخصیت‌های زن، در مجموع، از ۴۵ استراتژی بی‌ادبی استفاده کرده‌اند، که به ترتیب از ۹ استراتژی بی‌ادبی آشکار، ۱۵ استراتژی بی‌ادبی مثبت، ۲۱ استراتژی بی‌ادبی منفی استفاده کرده‌اند. می‌توان مشاهده کرد که شخصیت‌های زن در برخورد با شخصیت‌های مرد از تعداد استراتژی‌های بی‌ادبی کمتری استفاده کرده‌اند و این شخصیت‌های مرد هستند که از استراتژی‌های بی‌ادبی بیشتری در برخورد با شخصیت‌های زن استفاده کرده‌اند.

جدول ۷- فراوانی استراتژی‌های بی‌ادبی در میان شخصیت‌های زن و مرد

استراتژی‌های بی‌ادبی	زنان	مردان
آشکار	۸	۹
مثبت	۱۷	۱۵
منفی	۱۰	۲۱
طعنه	۰	۰
ممانعت از ادب	۰	۰
جمع	۳۵	۴۵

همان‌طور که در جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، شخصیت‌های زن کمتر از شخصیت‌های مرد از استراتژی‌های بی‌ادبی استفاده می‌کنند و این فرضیه با مقدار χ^2 دو ۱۱/۳۴۵ در سطح $(P \leq 0/01)$ مورد تأیید قرار گرفت. لذا بین شخصیت‌های زن و مرد، از نظر استفاده از استراتژی‌های بی‌ادبی، تفاوت معناداری وجود دارد و بر طبق فراوانی ذکر شده در جدول ۷، در مجموع، شخصیت‌های زن کمتر از شخصیت‌های مرد از استراتژی‌های بی‌ادبی در رمان‌ها استفاده می‌کنند.

جدول ۸- آزمون خی دو جهت تفاوت بین استراتژی‌های بی‌ادبی بین شخصیت‌های زن و مرد

۱۱/۳۴۵	مقدار خی دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۰۲	سطح معناداری

۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش که با هدف بررسی تأثیر قدرت و جنسیت بر میزان استراتژی‌های ادب و بی‌ادبی در گفت‌وگوهای کلیدی ۱۰ رمان برگزیده نوجوانان فارسی‌زبان صورت گرفت، نشان داد که شخصیت‌های قدرتمند، در برخورد با شخصیت‌های ضعیف، در حالی از استراتژی‌های ادب کمتری استفاده می‌کنند که ادب بیشتری را از شخصیت‌های ضعیف دریافت می‌دارند. به بیان دیگر، قدرت و ادب رابطه معکوسی با هم دارند: هرچه قدرت شخصیت‌ها بیشتر باشد از ادب کمتر و هرچه شخصیتی ضعیف باشد انتظار می‌رود که در رفتار کلامی خود از استراتژی‌های ادب بیشتری استفاده کند. به‌علاوه، شخصیت‌های قدرتمند، در برخورد با شخصیت‌های ضعیف، از تعداد بسیار زیادی استراتژی بی‌ادبی استفاده می‌کنند. اما شخصیت‌های ضعیف از تعداد استراتژی‌های بی‌ادبی بسیار کمی، در برخورد با شخصیت‌های قدرتمند، استفاده می‌کنند. در نتیجه، قدرت و بی‌ادبی رابطه مستقیمی با هم دارند: هرچه قدرت شخصیت‌ها بیشتر باشد از استراتژی‌های بی‌ادبی بیشتری استفاده می‌کنند و هرچه شخصیتی ضعیف باشد انتظار می‌رود که در رفتار کلامی خود از استراتژی‌های بی‌ادبی کمتری استفاده کند. این پژوهش نشان داد که شخصیت‌های زن، در برخورد با شخصیت‌های مرد، از استراتژی‌های ادب بیشتری استفاده می‌کنند و نیز اینکه شخصیت‌های زن، در برخورد با شخصیت‌های مرد، از تعداد استراتژی‌های بی‌ادبی کمتری استفاده کرده‌اند. و این شخصیت‌های مرد هستند که از استراتژی‌های بی‌ادبی بیشتری در برخورد با شخصیت‌های زن استفاده کرده‌اند.

منابع

- اکبرپور، احمد (۱۳۸۲). من نوکر بابا نیستم. تهران: افق.
امیریان داوود (۱۳۹۰). گردان قاطرچی‌ها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

بابامرندی، مژگان (۱۳۹۱). من یک مرد عنکبوتی شبیه رستم خواهم شد. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

بایرامی محمدرضا (۱۳۸۳). پل معلق. تهران: افق.

بایرامی محمدرضا (۱۳۸۷). گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند. تهران، قدیانی.

ثابت، فرزانه (۱۳۸۸). راهکارهای ادب در درخواست. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تربیت معلم سبزوار.

حاجی محمدی، ساناز (۱۳۸۹). بررسی زبان غیرمؤدبانه بین زنان و مردان فارسی‌زبان تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.

خانین، جمشید (۱۳۸۷). طبقه هفتم غربی. تهران: افق.

خانین، جمشید (۱۳۸۹). شب گریه‌های چشم‌سفید. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شاه آبادی، حمیدرضا (۱۳۸۶). لالایی برای دختر مرده. تهران: افق.

شکاری، الهه (۱۳۹۰). مطالعه زبان و قدرت در گفتمان محل کار فارسی‌زبانان با توجه به صورت‌های خطاب و استراتژی‌های ادب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد هنرهای نمایشی. دانشگاه تبریز.

رفیعی سخایی، سودابه (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان ادب در شخصیت‌پردازی و پیشبرد کنش نمایش‌نامه: مطالعه موردی گزیده‌ای از نمایش‌نامه‌های ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه هنر.

گلشیری، سیامک (۱۳۸۹). اولین روز تابستان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. لطفی، خدیجه (۱۳۹۰). عدم رعایت ادب و قدرت: رویکرد منظورشناختی بین‌زبانی به استفاده از الگوهای غیرمؤدبانه با توجه به قدرت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.

نعمتی، آزاده (۱۳۸۲). "تحلیلی بر تفاوت‌های زبانی زنان و مردان: تحقیقی در جامعه‌شناسی زبان". مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، ش ۵، ۹۲-۷۳.

هدایت، ندا (۱۳۸۴). "تأثیر جنسیت بر نحوه تقاضا (پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی زبان)". دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ۴۰-۱۷.

یگانه، علی (۱۳۷۵). *رابطه جنس و سن با ادب: مطالعه بین‌فرهنگی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی. دانشگاه اصفهان.
یوسفی، محمدرضا (۱۳۸۲). *گواتی*. تهران: شعله اندیشه.

- Andersson, L. M. and M. P. Christine (1999). "Tit for Tat? The Spiraling Effect of Incivility in the Workplace". *Academy of Management Review*, 24 (3), 452-471.
- Aydinoglu, N. (2013). "Politeness and Impoliteness Strategies: An Analysis of Gender Differences in GERALD L. HORTON'S PLAYS". *Procedia*, 83, 473-482.
- Bacha, N. N. and R. Bahous and R. L. Diab (2012). "Gender and Politeness in a Foreign Language Academic Context". *International Journal of English Linguistics*, Vol. 2, No. 1, 79-96.
- Baxter, L. A. (1984). "An Investigation of Compliance-Gaining as Politeness". *Human Communication Research*, Vol. 10, No. 3, 427-456.
- Beebe, L. M. (1995). "The Social Rules of Speaking: Basics-Not Frosting on the Cake". *The Language Teacher*, 19 (3), 4-11.
- Behnam, B. and M. Niroomand (2011). "An Investigation of Iranian EFL learners' Use of Politeness Strategies and Power Relations in Disagreement across Different Proficiency Levels". *English Language Teaching*, Vol. 4, No. 4, 204-220.
- Berger, Charles. (1994). "Power, dominance, and social interaction". In Mark L. Knapp and Gerald R. Miller (eds.): *Handbook of Interpersonal Communication*. Thousand Oaks: Sage, 450-507.
- Blum_Kulka, S. (1990). "You Don't Touch Lettuce with Your Finger: Parental Politeness in Family Discourse". *Journal of Pragmatics*, 14, 259-288.
- Bousfield, D. (2008). *Impoliteness in Interaction*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamin Publishing Company.
- Brown, P. and S. C. Levinson (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. London: Cambridge University Press.
- Brown, R. and A. Gilman (1989). "Politeness Theory and Shakespeare's Four Major Tragedies". *Language in Society*, 18 (2), 159-213.

- Brown, R. and A. Gilman (1960). The pronouns of power and solidarity. In Giglioli, Pier Paolo (ed.): *Language and Social Context*. Penguin: Harmondsworth, 252-282.
- Craig, R. and K. Tracy and F. Spisak (1986). "The Discourse of Requests: Assessment of a Politeness Approach". *Human Communication Research*, 12, 437-468.
- Culpeper, J. (1996). "Towards an Anatomy of Impoliteness". *Journal of Pragmatics*, 25, 349-367.
- Culpeper, J. (1998). "(Im)politeness in Drama". In J. Culpeper and M. Short and P. Verdonk (eds.): *Exploring the Language of Drama: From text to context*, 83-95. London: Routledge.
- Culpeper, J. and Derek Bousfield and Anne Wichman (2003). "Impoliteness revisited: With special reference to dynamic and prosodic aspects". *Journal of Pragmatics*, 35 (10-11), 1545-1579.
- De Klerk, V. (1992). "How Taboo Are Taboo Words for Girls?" *Language in Society*, Vol. 21, No. 2, 277-289.
- Eelen, G. (2001). *A Critique of Politeness Theories*. Manchester: St. Jerome Publishing.
- Ermida, I. (2006). "Linguistic mechanisms of power in Nineteen Eighty-Four: Applying politeness theory to Orwell's World". *Journal of Pragmatics*, 38, 842-862.
- Foyster, E. (2002). "Creating a Veil of Silence? Politeness and Marital Violence in the English Household". *Transactions of the Royal Historical Society, Sixth Series*, Vol. 12, 395-415.
- Goffman, Erving (1967). "On Face-work: An Analysis of Ritual Elements of Social Interaction". *Psychiatr: Journal for the Study of Interpersonal Processes* 18 (3): 213-231.
- Goodwin, C. and M. H. Goodwin (1990). "Interstitial Argument". In D. Grimshaw, Allen (ed.): *Conflict Talk: Sociolinguistic Investigations of Arguments in Conversations*, 85-117. Cambridge: Cambridge University Press.
- Grice, H. (1975). "Logic and conversation" in Cole, P. and J. Morgan (eds.): *Syntax and Semantics 3. Speech Acts*. New York: Academic Press, 41-58.
- Holmes, J. (1995). *Women, Men and Politeness*. London: Longman.
- Holtgraves, T. (1986). "Language Structure in Social Interaction: Perceptions of Direct and Indirect Speech Acts and Interactants Who

- Use Them". *Journal of Personality and Social Psychology*, 51 (2), 305-314.
- Holtgraves, T. and Y. Joong-Nam (1990). "Politeness as Universal: Cross-Cultural Perceptions of Request Strategies and Inferences Based on Their Use". *Journal of Personality and Social Psychology*, 59 (4), 719-729.
- Hutchby, I. (1996). "Confrontation Talk: Aspects of Interruption in Argument Sequences on Talk Radio". *Text: Interdisciplinary Journal for the Study of Discourse*, 12 (3), 343-371.
- Kamisli, S. and S. Dogancay (1996). "Effects of Social Power on Language Use Across Speech Communities". *International Journal of Applied Linguistics*, Vol. 6, No. 2, 199-222.
- Kantara, A. (2010). "Impoliteness Strategies in House M. D. ". *Lodz Papers in Pragmatics*, 6. 2, 305-339.
- Kienpointner, M. (1997). "Varieties of Rudeness: Types and Functions of Impolite Utterances". *Functions of Language*, 4 (2), 251-287.
- Labov, W. and D. Fanshel (1977). *Therapeutic Discourse: Psychotherapy as Conversation*. New York: Academic Press.
- Lachenicht, L. G. (1980). "Aggravating Language: A Study of Abusive and Insulting Language". *International Journal of Human Communication*, 13 (4), 607-688.
- Ladegaard, H. J. (2004). "Politeness in Young Children's Speech: Context, Peer Group Influence and Pragmatic Competence". *Journal of Pragmatics*, 36, 2003-2022.
- Lakoff, R. T. (1989). "The Way We Were; or, the Real Actual Truth about Generative Semantics: A memoir". *Journal of Pragmatics*, 13, 939-988.
- Leech, Geoffrey N. (1983). *Principles of Pragmatics*. New York: Longman.
- Leichty, G. and J. L. Applegate (1991). "Social-Cognitive and Situational Influences on the Use of Face-Saving Persuasive Strategies". *Human Communication Research*, 17 (3), 451-484.
- Lim, T. and J. W. Bowers (1991). "Facework, Solidarity, Approbation and Tact". *Human Communication Research*, 17 (3), 415-450.
- Locher, M. A. (2004). *Power and Politeness in Action: Disagreements in Oral Communication*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Mey, J. L. (2009). *Pragmatics*. Oxford: Elsevier.

- Mills, S. (2003). *Gender and Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Morand, D. A. (1996). "Dominance, Deference, and Egalitarianism in Organizational Interaction: A Sociolinguistic Analysis of Power and Politeness". *Organization Science*, Vol. 7, No. 5, 544-556.
- Morand, D. A. (2000). "Language and Power: an Empirical Analysis of Linguistic Strategies Used in Superior- Subordinate Communication". *Journal of Organizational Behavior*, 21, 235-248.
- Murni, S. M. and M. Solin (2012). "Linguistic Impoliteness: A Small Corpus Analysis on the Use of Impolite Language by Children ." *Aceh International Journal of Social Sciences*, 1 (1), 11-15.
- Niroomand, M. (2012). "An Exploration of Upper-intermediate Iranian EFL learners' Perception of Politeness Strategies and Power Relations in Disagreement". *English Language Teaching*, Vol. 5, No. 10, 180-191.
- Penman, R. (1990). "Facework and Politeness: Multiple Goals in Courtroom Discourse". *Journal of Language and Social Psychology*, 9, 15-38.
- Sadeghi, S. (2012). "Application of Critical Classroom Discourse Analysis in Analyzing Classroom Interaction". *English Language Teaching*, 5, No. 1, 166-173.
- Sifianou, M. (1992). *Politeness Phenomena in England and Greece: A Cross-Cultural Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Smith-Hefner, N. J. (1988). "Women and Politeness: The Javanese Example". *Language in Society*, Vol. 17, No. 4, 535-554.
- Smith, J. S. (1992). "Women in Charge: Politeness and Directives in the Speech of Japanese Women". *Language in Society*, Vol. 21, No. 1, 59-82.
- Tannen, D. (1990). "Silence as Conflict Management in Fiction and Drama: Pinter's Betrayal and a Short Story Great Wits". In A. D. Grimshaw (ed.): *Conflict Talk: Sociolinguistic Investigations of Arguments and Conversations*, 260-279. Cambridge: Cambridge University Press.
- Thomas J. (1995). *Meaning in Interaction. An Introduction to Pragmatics*. London: Longman.
- Tracy, K. And S. J. Tracy (1998). "Rudeness at 911: Reconceptualizing Face and Face Attack". *Human Communication Research*, 25 (2), 225-251.
- Watts, Richard J. and Sachiko Ide and Konrad Ehlich. (1992). "Introduction". In Richard J. Watts and Sachiko Ide and Konrad Ehlich (eds.): *Politeness in Language: Studies in its History, Theory and Practice*. Berlin: Mouton de Gruyter, 1-17.

Watts, R. J. (2003). *Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.

